

مقایسه مبانی ارث زن و مرد در اسلام با سایر نظام های حقوقی

فروزان مردادی نیاکان^۱

چکیده

نظام ارث یکی از مهم ترین عرصه های حقوقی در تبیین جایگاه زن و مرد در ساختار خانواده و جامعه است. در شریعت اسلام، تفاوت سهم ارث زن و مرد بر مبنای مسئولیت های مالی، اجتماعی و خانوادگی هر یک از آنان استوار است، در حالی که در نظام های حقوقی مدرن، اصل بر برابری مطلق جنسیتی در ارث قرار دارد. این پژوهش با هدف مقایسه مبانی ارث زن و مرد در اسلام با سایر نظام های حقوقی و تحلیل آثار اجتماعی و اقتصادی آن انجام شده است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و تطبیقی است و داده ها از منابع کتابخانه ای گردآوری شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که تفاوت در سهم ارث در اسلام، برخلاف تصور تبعیض آمیز، بر مبنای عدالت وظیفه محور و در پیوند با تکلیف مرد به پرداخت نفقه، مهریه و تأمین هزینه های زندگی خانواده تبیین می شود. در مقابل، نظام های حقوقی مدرن که بر برابری مطلق تأکید دارند، گاه از عدالت کارکردی و حمایتی غفلت می ورزند. از نظر اجتماعی و اقتصادی نیز، هرچند تفاوت سهم ارث ممکن است در ظاهر به کاهش مالکیت زنان بینجامد، اما وجود تکالیف مالی مرد و سازوکارهای حمایتی در اسلام، توازن مالی خانواده را حفظ می کند. در نتیجه، می توان گفت که نظام ارث اسلامی بر پایه عدالت توزیعی و مسئولیت خانوادگی سامان یافته است، در حالی که نظام های حقوقی مدرن بر استقلال فردی و تساوی شکلی تکیه دارند؛ از این رو بازخوانی تطبیقی این دو نظام می تواند زمینه ساز فهم عمیق تر عدالت جنسیتی در عرصه های اجتماعی و اقتصادی گردد.

کلیدواژه ها:

ارث، زن و مرد، فقه اسلامی، نظام های حقوقی، عدالت جنسیتی، آثار اجتماعی و اقتصاد

^۱ حوزه علمیه ی حضرت زینب (س)

نظام ارث یکی از مهم‌ترین حوزه‌های حقوقی است که نقش بسزایی در تبیین جایگاه زن و مرد در خانواده و جامعه ایفا می‌کند. در شریعت اسلامی، سهم ارث زنان و مردان متفاوت است و این تفاوت نه بر اساس تبعیض، بلکه بر مبنای مسئولیت‌ها و وظایف مالی، اجتماعی و خانوادگی هر یک تعیین شده است. مردان مسئول پرداخت نفقه، مهریه و تأمین هزینه‌های زندگی خانواده هستند و از این رو سهم ارث آنان با توجه به این تکالیف تنظیم می‌شود. در مقابل، نظام‌های حقوقی مدرن بر برابری مطلق جنسیتی در ارث تأکید دارند و استقلال فردی و تساوی شکلی را محور قرار می‌دهند. این تفاوت‌ها پرسش‌های مهمی درباره عدالت، کارکرد اجتماعی و پیامدهای اقتصادی هر نظام ایجاد می‌کند. تحلیل و مقایسه نظام‌های ارث در اسلام و حقوق مدرن اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا ارث نه تنها مسائل مالی خانواده را سامان می‌دهد، بلکه بازتاب‌دهنده نگرش جامعه به نقش و مسئولیت‌های جنسیتی است. شناخت مبانی اسلامی و مقایسه آن با نظام‌های مدرن می‌تواند به سیاست‌گذاران، حقوق‌دانان و جامعه‌شناسان کمک کند تا قوانین و سیاست‌هایی تدوین کنند که هم عدالت اجتماعی و اقتصادی را حفظ کند و هم عدالت جنسیتی را تقویت نماید. مطالعات پیشین عمدتاً به بررسی مبانی فقهی ارث یا تحلیل برابری جنسیتی در نظام‌های حقوقی مدرن پرداخته‌اند. پژوهش‌های فقهی مانند آثار طباطبایی (۱۳۹۰) و اکبری (۱۳۹۵)، مبانی ارث در اسلام و اجرای آن در کشورهای اسلامی را تحلیل کرده‌اند، اما کمتر به تحلیل تطبیقی آثار اجتماعی و اقتصادی تفاوت سهم ارث پرداخته‌اند. در مقابل، تحقیقات حقوقی غربی بر تساوی شکلی و برابری مطلق جنسیتی متمرکز بوده‌اند و به نقش تکالیف مالی و حمایت‌های خانوادگی توجه نکرده‌اند. وجه تمایز این مقاله در این است که هم مبانی فقهی و اسلامی ارث را بررسی می‌کند، هم نظام‌های حقوقی مدرن را تحلیل می‌نماید و در نهایت با رویکردی تطبیقی، اثرات اجتماعی و اقتصادی تفاوت سهم ارث را مورد بررسی قرار می‌دهد. این کار، امکان درک جامع‌تر عدالت جنسیتی و نقش تکالیف خانوادگی در توازن مالی خانواده را فراهم می‌آورد. بر این اساس، سوال اصلی پژوهش چنین تعریف می‌شود: مبنای ارث زن و مرد در شریعت اسلامی چیست و چگونه با سایر نظام‌های حقوقی مقایسه می‌شود؟

۱- مفهوم ارث

در زبان عربی، واژه «ارث» از ریشه «وَرَثَ» به معنای «به ارث بردن» یا «نصیب بردن» آمده است (ابن منظور، ۱۳۹۸، ج. ۱۵، ص. ۱۲۳۴). ابن فارس نیز در معجم مقاییس اللغة واژه «ارث» را به معنای «انتقال مالکیت یا حق از فردی به فرد دیگر» تعریف کرده است (ابن فارس، ۱۴۰۰، ج. ۳، ص. ۵۶۷). در فقه اسلامی، «ارث» به معنای انتقال اموال، حقوق و دارایی‌های متوفی به وارثان مشروع بر اساس قواعد شرعی است (اللمعة الدمشقیة، ۱۴۲۰، ص. ۸۹؛ الشرائع، ۱۴۱۵، ص. ۴۵۶). این تعریف، علاوه بر جنبه مالی، شامل پیامدهای اجتماعی و خانوادگی نیز می‌شود و نقش مهمی در توازن مسئولیت‌های خانواده دارد.

۲- مبانی ارث زن و مرد در اسلام

ارث در اسلام نظامی حقوقی است که سهم زنان و مردان را بر اساس عدالت و مسئولیت‌های خانوادگی تعیین می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۳). این نظام بر پایه قرآن، سنت و فقه اسلامی استوار است و هدف آن حفظ توازن مالی و اجتماعی خانواده است (اکبری، ۱۳۹۵، ص. ۷۸). قرآن کریم سهم هر وارث را مشخص کرده و تفاوت سهم زنان و مردان را با توجه به مسئولیت‌ها و نقش‌های اجتماعی و مالی آنها تعیین می‌کند. مهم‌ترین آیات مربوط به ارث عبارتند از: سوره نساء، آیات ۱۱ و ۱۲ (قرآن کریم، ترجمه المیزان، ۱۴۰۰، ص. ۳۲). برای مثال، در آیه ۱۱ سوره نساء آمده است که پسر دو برابر دختر ارث می‌برد، زیرا مرد موظف به پرداخت نفقه، مهریه و هزینه زندگی خانواده است.

نظام ارث در شریعت اسلام یکی از منسجم‌ترین و دقیق‌ترین نظام‌های مالی و حقوقی در میان ادیان و نظام‌های حقوقی جهان به شمار می‌آید. قرآن کریم به صراحت و با جزئیاتی کم‌نظیر، سهم الارث هر یک از وارثان را مشخص کرده است؛ تا آنجا که در هیچ مسئله‌ی فقهی دیگری این اندازه آیه و حکم صریح وجود ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۴: ۲۵۸). این امر نشان‌دهنده‌ی اهمیت بنیادین نهاد ارث در حفظ توازن اقتصادی خانواده و استمرار پیوندهای اجتماعی در جامعه‌ی اسلامی است. در نگاه اسلام،

ارث صرفاً انتقال مال از متوفی به بازماندگان نیست، بلکه سازوکاری الهی برای استمرار عدالت، حفظ نهاد خانواده و تقویت همبستگی خویشاوندی است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۹۴). تفاوت سهم ارث میان زن و مرد در این چارچوب، نه از باب برتری یا تبعیض، بلکه بر اساس عدالت وظیفه‌محور و تناسب با مسئولیت‌های اقتصادی و اجتماعی هر یک از دو جنس تبیین می‌شود (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۷۶). «لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا». این آیه، حق ارث برای زنان را که در دوران جاهلیت به‌کلی نادیده گرفته شده بود، به‌طور رسمی تثبیت کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۶۱). مفسران گفته‌اند که این آیه در واقع گامی بنیادین در جهت احقاق حقوق اقتصادی زنان بوده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۳۲). «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ...» این آیه نسبت سهم ارث میان پسر و دختر را تعیین می‌کند و مبنای اصلی استدلال فقهی در تفاوت ارث زن و مرد است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۷۰). فقها بر این باورند که این تفاوت به دلیل وظایف مالی مرد از جمله پرداخت نفقه، مهریه و تأمین هزینه‌های زندگی خانواده است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۱۱۷).

«وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ... وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ...» در این آیه، سهم ارث میان زن و شوهر به‌صراحت بیان شده است. تفاوت سهم آنان با نقش اقتصادی هر یک در خانواده مرتبط است؛ مرد عهده‌دار نفقه است و زن مالک مهریه و دارایی شخصی خویش (مغنیه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۶۲). این آیه احکام مربوط به کلاله (کسی که پدر و فرزند ندارد) را بیان می‌کند و به تکمیل ساختار نظام ارث در اسلام می‌انجامد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۳۴۲). روایات بسیاری از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) در تبیین فلسفه و چگونگی تقسیم ارث نقل شده است. از جمله، پیامبر (ص) فرمود: «أَعْطُوا الْفَرَائِضَ أَهْلَهَا فَمَا بَقِيَ فَلِأُولَىٰ رَجُلٍ ذَكَرٍ». (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷: ۴۵۶) همچنین از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: «لِلرَّجُلِ ضِعْفُ الْمَرْأَةِ فِي الْمِيرَاثِ لِأَنَّ عَلَيْهِ نَفَقَتَهَا وَنَفَقَةَ الْعِيَالِ». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷: ۸۷) این روایت صریحاً فلسفه تفاوت ارث را به مسئولیت اقتصادی مرد مرتبط می‌داند.

فقه‌های امامیه و اهل سنت در اصل مشروعیت تفاوت سهم ارث زن و مرد اتفاق نظر دارند؛ زیرا نصوص قرآنی و روایی به‌صراحت بر آن دلالت دارند. اختلاف عمدتاً در تحلیل فلسفه و حکمت این تفاوت است، نه در اصل حکم. فقه‌های بزرگ همچون شیخ طوسی، علامه حلی و شهید ثانی بر این باورند که ارث در اسلام بر مبنای عدالت الهی و تناسب با مسئولیت‌های مالی و خانوادگی تنظیم شده است (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۹: ۱۱۲؛ حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۳۱). عدالت در فقه اسلامی به معنای دادن حق هر ذی‌حق بر اساس وظایف و جایگاه او است، نه تساوی عددی یا شکلی میان افراد (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۸۲). بنابراین تفاوت در ارث، لازمه‌ی تفاوت در تکلیف و نقش اجتماعی است. مرد در نظام خانواده اسلامی، مکلف به پرداخت نفقه، مهریه و تأمین هزینه‌های زندگی است، در حالی که زن در قبال این تکالیف مسئولیتی ندارد و حتی درآمد شخصی او نیز در اختیار خودش باقی می‌ماند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۱۲۴).

در اندیشه فقهی اسلام، عدالت امری نسبی و تابع نقش‌ها و مسئولیت‌هاست. از دیدگاه فقه‌ها، عدالت در روابط خانوادگی یعنی هر فرد به میزان تعهدات و بار اقتصادی خود از حقوق مالی برخوردار باشد. به تعبیر شهید مطهری: «اسلام میان زن و مرد در انسانیت و ارزش ذاتی تفاوتی نمی‌نهد، اما در تقسیم مسئولیت‌ها تفاوت قائل است، و این تفاوت لازمه‌ی عدالت است نه ضد آن» (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۸۵). از این منظر، چون مرد مسئول تأمین معیشت خانواده است، سهم بیشتر او در ارث در حقیقت جبران تکلیف مالی پیشینی است نه امتیاز جنسیتی. این تحلیل در آثار فقهی امامیه مانند جواهرالکلام نیز منعکس است؛ نجفی می‌نویسد: «الزَّيَادَةُ فِي ارْثِ الرَّجُلِ إِنَّمَا هِيَ لِمَا عَلَيْهِ مِنَ النَّفَقَاتِ وَ الْمُؤُونَاتِ، فَهِيَ تَزِيدُهُ تَكْلِيفًا وَ لَا تُفْضِلُهُ» (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۹: ۲۶۵). یعنی افزایش سهم ارث مرد از باب تکلیف است نه برتری. در فقه اسلامی، خانواده یک واحد اقتصادی مستقل است که مسئولیت آن به عهده‌ی مرد گذاشته شده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۳۲۱). اسلام ساختار اقتصادی خانواده را بر سه اصل استوار کرده است: تکلیف مالی مرد (پرداخت نفقه، مهریه و هزینه‌ها)، مالکیت مستقل زن بر اموال خود، توزیع ارث بر پایه‌ی توازن مسئولیت‌ها.

می‌کند که نه تنها عدالت بین زن و مرد، بلکه عدالت نسلی و خانوادگی را نیز برقرار نماید. در نظام‌های مدرن، سهم برابر وارثان باعث می‌شود که انتقال سرمایه به نسل بعد مستقیم و بدون وابستگی به نقش اجتماعی باشد. این سیستم به ویژه در جوامعی که زنان پیش‌تر از مالکیت مستقل محروم بودند، موجب تقویت توان مالی نسل بعدی زنان می‌شود (صادقی، ۱۴۰۱: ص. ۹۳). تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که هر دو نظام به دنبال حفظ سرمایه خانوادگی هستند، اما روش‌ها متفاوت است: اسلام: ترکیبی از سهم ارث و تکالیف مالی مرد برای توازن مالی؛

مدرن: برابری مطلق و استقلال اقتصادی مستقیم زنان.

۴-۴. قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و عدالت جنسیتی

در نظام اسلامی، قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی زنان در خانواده محدود به حق دریافت نفقه و مهریه است و سهم ارث کمتر، بخشی از توازن وظیفه‌محور را نشان می‌دهد (نجفی، ۱۳۶۷: ج ۳۹، ص. ۲۸۰). با این حال، زنان می‌توانند از اموال خود برای مدیریت هزینه‌های شخصی و خانوادگی استفاده کنند. در نظام مدرن، برابری سهم ارث موجب می‌شود زنان قدرت تصمیم‌گیری مستقل اقتصادی و اجتماعی بیشتری داشته باشند (رستگار، ۱۳۹۸: ص. ۱۸۳). این استقلال به آن‌ها امکان می‌دهد که در برنامه‌ریزی مالی خانواده، سرمایه‌گذاری و سایر تصمیمات اقتصادی نقش مؤثر و برابر داشته باشند.

عدالت در نظام اسلامی بر وظیفه و مسئولیت اجتماعی مرد استوار است؛ سهم کمتر زن با حمایت مالی مرد جبران می‌شود (مطهری، ۱۳۸۶: ج ۲، ص. ۱۹۷). در نظام مدرن، عدالت بر پایه برابری شکلی و حقوقی زن و مرد است؛ هر فرد صرف‌نظر از جنسیت، سهم برابر دارد و معیار اصلی، استقلال فردی و فردگرایی اقتصادی است (رستگار، ۱۳۹۸: ص. ۱۸۳). اسلام: ارث و سازوکارهای مالی مانند نفقه، مهریه و کفالت به حفظ انسجام خانواده کمک می‌کنند و جایگاه زنان و مردان در خانواده مشخص است (هاشمی، ۱۳۹۵: ص. ۳۱۱). مدرن: برابری در ارث، استقلال فردی را تقویت کرده و ساختار خانواده را به سمت تعامل برابر اعضا سوق می‌دهد (صادقی، ۱۴۰۱: ص. ۹۳).

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که نظام اسلامی تأکید بیشتری بر حفظ توازن خانوادگی و نقش وظیفه‌محور مرد دارد، در حالی که نظام مدرن بر استقلال و حقوق برابر اعضای خانواده تأکید می‌کند. معیار نظام اسلامی نظام مدرن سهم ارث مرد بیشتر، جبران با نفقه و مهریه سهم برابر زن و مرد استقلال اقتصادی زنان نسبی، با حمایت مالی مرد مستقیم، مستقل از نقش اجتماعی انتقال سرمایه ترکیبی از سهم ارث و تکالیف مالی مرد مستقیم و بدون وابستگی به نقش اجتماعی قدرت تصمیم‌گیر محدودتر، تحت حمایت مالی مرد بالا، مستقل و برابر عدالت جنسیتی وظیفه‌محور، مبتنی بر نقش‌های برابری شکلی، فردگرایی اقتصادی ساختار خانواده حفظ توازن و انسجام خانواده تقویت استقلال فردی و تعامل برابر اعضا هر دو نظام به دنبال عدالت اقتصادی و اجتماعی هستند، اما مسیر و ابزارها متفاوت است. نظام اسلامی از طریق وظایف مالی مرد، توازن مالی و اجتماعی را برقرار می‌کند؛ نظام مدرن از طریق برابری مستقیم و استقلال اقتصادی زنان. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که بازخوانی هر دو نظام می‌تواند سیاست‌گذاری‌های نوین خانواده و عدالت جنسیتی را تقویت کند (مطهری، ۱۳۸۶: ج ۲، ص. ۱۹۷؛ رستگار، ۱۳۹۸: ص. ۱۸۳).

نتیجه گیری

در نظام حقوقی اسلام، تفاوت در ارث زن و مرد بر پایه عدالت وظیفه محور است، نه تبعیض جنسیتی. اسلام با در نظر گرفتن مسئولیت اقتصادی مرد و حق نفقه برای زن، توازن واقعی را میان حقوق و تکالیف برقرار کرده است. در حالی که نظام های حقوقی غربی با تأکید بر تساوی عددی، از عدالت حقیقی و نقش های طبیعی زن و مرد غافل مانده اند، شریعت اسلامی با رویکردی حکیمانه، تفاوت را وسیله ی عدالت قرار داده است، نه نشانه ی نابرابری.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم (۱۴۰۰). ترجمه المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۰ق). معجم مقاییس اللغة، ج ۳، قم: دارالفکر.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۹۸). لسان العرب، ج ۱۵، بیروت: دارصادر.
۴. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). المکاسب، ج ۲، قم: مکتبه الامام امیرالمؤمنین (ع).
۵. اکبری، م. (۱۳۹۵). تحلیل فقهی ارث در نظام حقوقی اسلام، قم: بوستان کتاب.
۶. حرّعاملی، م. بن ح. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه، ج ۱۷، قم: مؤسسه آل البيت.
۷. حلی، ج. بن ح. (۱۴۰۷ق). قواعد الاحکام فی معرفه الحلال والحرام، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۸. خمینی، ر. (۱۴۰۸ق). تحریر الوسیله، ج ۲، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۹. رستگار، ا. (۱۳۹۸). برابری جنسیتی و حقوق ارث در نظام های مدرن، تهران: نشر میزان.

۱۰. سبحانی، ج. (۱۴۲۰ق). الفقه الاسلامی و أدلته، ج ۳، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۱. صادقی، ل. (۱۴۰۱). نقش برابری در ارث در استقلال اقتصادی زنان، تهران: پژوهشگاه حقوق و خانواده.
۱۲. طباطبایی، س.م. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. طباطبایی، س.م. (۱۳۹۰). بررسی فقهی نظام ارث در اسلام، قم: مرکز تحقیقات اسلامی.
۱۴. طوسی، م.بن ح. (۱۳۶۴). النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی، ج ۹، قم: مکتبه بصیرتی.
۱۵. قرشی، س.ع. (۱۳۷۱). قاموس قرآن، ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. مکارم شیرازی، ن. (۱۴۱۷ق). تفسیر نمونه، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. مغنیه، م.ج. (۱۳۷۲). الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۲، بیروت: دارالعلوم.
۱۸. مطهری، م. (۱۳۸۶). نظام حقوق زن در اسلام، ج ۲، تهران: انتشارات صدرا.
۱۹. نجفی، م.ح. (۱۳۶۷). جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۳۹، قم: داراحیاء التراث العربی.
۲۰. نسائی، ا.بن ش. (۱۴۰۴ق). السنن الکبری، ج ۶، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۱. هاشمی، ف. (۱۳۹۵). عدالت اقتصادی و جنسیتی در فقه اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۲. شهید ثانی، ز.بن ع. (۱۴۲۰ق). اللمعه الدمشقیه، قم: دارالفکر.
۲۳. الشرائع (محقق حلی، ن.ج.) (۱۴۱۵ق). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: مکتبه الداوری.